



منبر مکتوب ویژه اعتکاف نوجوانان

• نرم افزار قدرت

دین؛ راهبری برای روحی تزلزل ناپذیر



@Hawzah_Panahian



مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه



برای عضویت در کانال «حوزه و تبلیغ» اسکن کنید
کاری از مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه



فهرست

- ۷ فرق بین انسان قوی و ضعیف
- ۹ قدرت روحی و امتحانات الهی
- ۱۰ قوی بودن مهم تر است یا خوب بودن؟
- ۱۲ چه ترسی خوب و چه ترسی بد است؟
- ۱۵ هدف از عبادات و مقاومت در برابر بردگی
- ۱۶ بردگی نوین در عصر حاضر
- ۱۷ رسانه رایگان غربی ها برای ما!!
- ۱۸ دین نرم افزار قوی شدن
- ۲۰ امام خمینی رحمه الله علیه: هیچ وقت نترسیدم
- ۲۰ ایمان یعنی چه؟
- ۲۱ من از چه چیزهایی می ترسم؟
- ۲۲ دعای ندبه و ارزش انسان نزد خدا
- ۲۳ روضه مختصر حضرت زینب سلام الله علیها

« فرق بین انسان قوی و ضعیف

از شما تقاضا می‌کنم فرق بین آدم‌های قوی و آدم‌های ضعیف را خوب مطالعه کنید. وقتی کوچک‌تر بودید، شاید به کارتون‌هایی مثل بتمن و مرد عنکبوتی و این چیزها علاقه مند بودید. نگاه کنید، چرا بچه‌ها در سن شما یا کمی کوچک‌تر، هنوز هم از این سرگرمی‌ها لذت می‌برند؟ وقتی شخصیت‌ها را انتخاب می‌کنید یا در بازی‌های کامپیوتری برای بردن تلاش می‌کنید، معمولاً فرد قوی را انتخاب می‌کنید. در بازی‌های فوتبال هم دنبال بازیکن قوی هستید. چرا؟ فرق انسان قوی با ضعیف چیست؟ مهم‌ترین دلیل این است که



انسان دوست دارد قدرتمند باشد، از هر لحاظ. توصیه‌های دین برای تغذیه باعث تقویت بدن می‌شود. حضرت علی علیه السلام فرمودند: شما کم غذا می‌خورید، در جنگ‌ها کم نمی‌آورید. ایشان مثال زدند: چوب درخت‌های خشک در بیابان که کم آب می‌خورند، محکم‌تر از چوب درخت‌های مرطوب است. همین‌طور انسان کم غذا، بدنش قوی‌تر می‌شود. امروزه همه می‌دانند پرخوری بدن را ضعیف می‌کند.

سحرخیزی هم بدن انسان را تقویت می‌کند. اگر کسی بخوابد تا بعد از طلوع آفتاب، بدنش سست و فکرش ضعیف می‌شود. دین برنامه‌ای برای تقویت وجود انسان است؛ برنامه‌ای برای تقویت حافظه و ذهن. وقتی قرآن می‌خوانید و حفظ می‌کنید، سازوکاری در ذهن شما ایجاد می‌شود و حافظه‌تان قوی‌تر می‌شود. کسانی که قرآن حفظ کرده‌اند، این تجربه را دارند. دیگر برنامه‌های دینی نیز همین‌طور عمل می‌کنند.

مثلاً دین گناه‌هایی را تعیین می‌کند و می‌گوید این‌ها را انجام نده. امروز روانشناسی و فیزیولوژی هم نشان داده‌اند که اگر کسی کاری را انجام دهد و بعد ترک کند، بخشی از مغز او قوی‌تر می‌شود. این برنامه‌ای برای قوی شدن انسان است.

عادت‌های نادرست مانند گوش دادن زیاد به

موسیقی یا دیدن تلویزیون، قدرت تمرکز و تفکر انسان را کم می‌کند. نماز خود یک برنامه تمرینی برای تقویت تمرکز است. تکراری بودن آن باعث می‌شود ذهن شما روی جزئیات تمرکز کند. وقتی نماز می‌خوانید، ممکن است آخر نماز ناگهان متوجه شوید که تمام شده است. خدا چرا نماز را تکراری قرار داده؟ اگر متنوع بود، ممکن بود ذهن ما حواس پرت شود. اما تکراری بودن آن باعث می‌شود قدرت تمرکز انسان بالا برود و انسان قوی شود.

وقتی انسان قوی شد، می‌تواند مدیر قوی شود و خانواده و جامعه‌ای قوی بسازد. هدف دین و برنامه‌هایش این است: انسان را از درون قدرتمند کند تا بتواند زندگی و اطراف خود را بسازد و اصلاح کند.

« قدرت روحی و امتحانات الهی »

قدرت روحی خیلی مهم است. اولین آزمایش خدا چیست؟ در قرآن آمده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: من چیزهایی از شما می‌خواهم یا برایتان پیش می‌آورم، مثلاً بیماری، ضرر مالی، یا حتی مرگ و اتفاق‌های طبیعی. این‌ها امتحان‌های خدا هستند تا ببیند انسان چگونه با آن‌ها روبه‌رو می‌شود. اولین امتحان چیست؟



ترس. خدا انسان را می ترساند تا ببیند چقدر می ترسد.

« قوی بودن مهم تر است یا خوب بودن؟ »

خوب بودن یا قوی بودن؟ نظرات مختلف است. وقتی می گوییم خوب بودن، منظور شماست یا نظر معلم، پدر و مادر؟ نظر خودتان را می گویند. بعضی می گویند خوب بودن مهم است، بعضی می گویند قوی بودن. من هم نظر خودم را می گویم و شما روش فکر کنید.

اگر کسی خوب بود ولی قوی نبود، چه می شود؟ فرض کنید کسی مهربان است، متواضع است، سر کلاس با معلمش خوب رفتار می کند، اما آدم ضعیفی است. این خوب بودن ارزش ندارد، چون در اثر ضعف و ترس از دیگران شده است. خداوند می فرماید: خوب بودن تو در این شرایط ارزش ندارد.

حالا اگر کسی قوی بود ولی خوب نبود، چه می شود؟ بعضی افراد ادای قوی بودن را درمی آورند ولی جنایتکارند، به دیگران ظلم می کنند. این ها در واقع آدم های قوی نیستند. اگر تو قوی هستی، چرا ظلم می کنی؟ چرا بی جهت جنایت می کنی؟ پس خوب بودن بدون قدرت روحی، کافی نیست. یادتان باشد خوب بودن باید توأم با قدرت

روحی باشد. وقتی به کسی مهربانی می‌کنید، باید از سر قدرت درونی باشد، نه ترس یا ضعف. انسان قدرتمند نیاز ندارد به کسی بدی کند. ولی اگر کسی فکر کند قوی است و از زورش سوءاستفاده کند، این در واقع قوی نیست، فقط دارد از ترس‌ها و ضعف‌هایش بیرون می‌زند و عربده می‌کشد. این‌ها آدم‌های ضعیف‌اند.

سعی کنید خوب بودن‌تان به خاطر قوت روحی‌تان باشد. بعضی‌ها به دیگران محبت می‌کنند چون می‌ترسند تحویل گرفته نشوند، یا سر کلاس خیلی با کلاس ظاهر می‌شوند تا توجه معلم را جلب کنند. این‌ها ضعف است. ضعف‌هایتان را کنار بگذارید. دین نرم‌افزاری است برای قوی شدن روح و جسم انسان.

یک آقای دکتری توضیح می‌داد که سجده از نظر آثارش روی بدن انسان چقدر مفید است. می‌گفت سجده طولانی چه تأثیری دارد. یک آقایی که انرژی درمانی می‌کرد هم می‌گفت: سحرها بلند شوید، دستتان را جلو صورت بگیرید، چند دقیقه، پنج دقیقه، ده دقیقه، چقدر دریافت انرژی از بدن اتفاق می‌افتد. هر کسی یک چیزی می‌گوید. اما وقتی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم تمام برنامه‌های دین به نوعی انسان را تقویت می‌کنند.



حالا می‌خواهم از شما خواهش کنم: خوب بودن را از ذهن‌تان بیرون ببرید و همان «قوی بودن» را در نظر بگیرید. حقیقتاً هدف این است که انسان‌های قوی شوید. برای اینکه قوی شوید، لازم است با یک قدرتمند درجه یک ارتباط داشته باشید و انرژی بگیرید، و آن کسی نیست جز خدا. این کار را ما نمی‌توانیم به جای او انجام دهیم.

نگوید «من به خدا معتقدم»؛ خیلی‌ها به خدا معتقد بودند اما سرانجام به جهنم رفتند. بگویید: «من به خدا محتاجم، محتاجم.» این طرز فکر تواضعی در شما ایجاد می‌کند و شما با خدا کنار می‌آید. قرآن می‌فرماید: «أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ» (سوره فاطر، آیه ۱۵) شما به خدا محتاجید و خدا بی‌نیاز است. این عبارت خیلی قشنگ است: «من محتاج خدایم.»

خدا وقتی می‌بیند کوچک‌ترین احساس ضعف داشته باشید، اگر از کسی جز او بترسید، از خدا فاصله می‌گیرید. خدا می‌گوید: از کسی جز من نترس. اینجا سؤال پیش می‌آید: چه فرقی است بین ترس از خدا و ترس از دیگران؟ بعضی‌ها می‌گویند ترس، ترس است دیگر.

« چه ترسی خوب و چه ترسی بد است؟ »

نه، ترس از خدا خوب است ولی ترس از دیگران



بد است. نه به این دلیل که خدا خوب است و دیگران بدند، بلکه ماهیت ترس فرق دارد. ترس از خدا به انسان ضرر نمی زند، بلکه مسیر رشد و تقویت روح را باز می کند. اما ترس از دیگران، ضعف ایجاد می کند و باعث آسیب روحی و روانی می شود.

ترس از خدا به این دلیل خوب است که خدا خالق جهان است و خیلی بزرگ است. حالا خوب بودنش را کاری ندارم، منظور این است که آدم می گوید از یک بزرگ بترسم، نه از یک جوجه ای مثل خودم. این خودش خوب است، اما هنوز تفاوت دقیق این ترس ها روشن نشده.

ببینید، من نمی گویم کدام ترس خوب است و کدام بد. شما دارید دلیل می آورید که ترس از خدا خوب است و ترس از دیگران بد. این را من سؤال نمی کنم. من می خواهم فرق ترس از خدا و ترس از بقیه را بفهمم.

بله، ترس از خدا باعث می شود علم و شناخت ما بیشتر شود، باعث می شود به خدا نزدیک تر شویم. چرا؟ چون در مقابل خدا باید احساس کوچکی کنیم و این احساس ما را رشد می دهد. اما در مقابل غیر خدا... نه.

آقا، من نمی گویم کدام ترس خوب است، کدام بد. شما دارید می گویید چون خدا بزرگ است،



باید از او ترسید. اینکه باید از خدا ترسید را ما بحث نمی‌کنیم، ما فرق این ترس‌ها را می‌خواهیم بفهمیم.

برای همین، من از مسئولین جلسات اعتکاف خواهش می‌کنم: نوجوان‌ها را تشویق کنید با هم بحث کنند، مناظره کنند، مخالف و موافق با هم گفتگو داشته باشند. امیرالمؤمنین علیه السلام هم سفارش کرده‌اند.

در حوزه، طلبه‌ها با مباحثه ذهن خود را قوی می‌کنند. یکی می‌گوید من رد می‌کنم شما را، دیگری می‌گوید من رد می‌کنم، این جوری ذهن انسان قوی می‌شود، البته با حفظ احترام و بدون عصبانیت یا کفرگویی.

اجازه بدهید جواب این سؤال را هم بدهم. جواب نزدیک بود: ترس از خدا با فکر است، اما ترس از غیر خدا بدون فکر است و فقط زورش را نشان می‌دهد. این همان تفاوت اساسی است.

ببینید، خدا می‌گوید از من بترس. حالا من دقیق‌تر کلام شما را توضیح دادم، شاید خودت هم همین را می‌خواستی بگویی، باریک‌الله. خدا می‌گوید: از من بترس. ما می‌پرسیم: خدایا می‌زنی؟ خدا می‌فرماید: معلوم نیست، شاید بزنی، شاید نزنم، شاید ببخشم.

خدا فوری نمی‌زند، عقب می‌رود، و این باعث

می شود ترس شما عقلانی شود. الان بچه ها حرف هایی که جواب دادند از این جنس است؛ دارند فکر می کنند خدا شایسته ترسیدن است. همین آخرین پاسخشان هم همین بود: خدا عظمت دارد، پس باید ترسید. اینگونه کرت ترس از خدا در وجود شما شکل می گیرد.

اما نسبت به کسانی که در اطراف ما هستند و ما را می ترسانند، ترس ما ناشی از وحشی گری آنهاست. آنها فوری زورشان را نشان می دهند، و این ترس بدون فکر و وحشیانه است. اما ترس از خدا، ترس عقلانی است. خدا کی می زند؟ شاید روز قیامت به ما بگوید.

آدم هایی که عقل شان کم است می گویند: «قیامت، ولش کن.» اما آدم های خیلی عاقل می دانند: در قیامت راه فراری نیست. ترس از خدا اینگونه است: ترس همراه با فکر و آگاهی، نه ترس کور و بی حساب.

لذا دوستان من، برنامه دین این است: انسان را تربیت کند تا هم قوی شود و هم عقلانی فکر کند. ترس از خدا، ترسی است که انسان را رشد می دهد و مسیر تقویت روح و ذهن را باز می کند.

« هدف از عبادات و مقاومت در برابر بردگی

من چند سؤال می کنم و خودم جواب می دهم،

وگرنه وقت نبود که از شما می پرسیدم. اعتکاف برای چه آمدی؟ برای اینکه آدم قوی بشوم. برای چه می خواهی همیشه نماز بخوانی؟ برای اینکه می خواهم آدم قوی بشوم. ضعیف شدن چه اشکالی دارد؟ وقتی ضعیف باشی، ما را به بردگی می کشند. برده بودن خوب نیست، بردگی مثل این است که تحت سلطه باشی.

« بردگی نوین در عصر حاضر

البته الان برده ها را به شکل های نوین هم به بردگی می کشند. یک کشور را به یکباره تحت سلطه می برند. تمام مشکلات امروز ناشی از این است که کشور ما زیر بار بردگی نمی رود و مقاومت می کند. این سختی دارد، مخصوصاً با ارباب های جهانی که همه سلطه آن ها را پذیرفته اند، جز ما. حتی داخل کشور خودمان بعضی ها می گویند: «همه پذیرفتند، تو هم بپذیر.»

ما نمی خواهیم برده زندگی کنیم. اگر برده باشیم، شاید دو روز اوضاع خوب باشد، اما روز سوم چه می شود؟ آن ها تصمیم می گیرند ما را نابود کنند. ببینید کشورهایی که سلطه آمریکا را پذیرفتند، چه وضعیتی دارند. آمریکا اجازه رشد آن ها را می دهد؟ نه، خیلی کشورها، حتی

کشورهایی در اطراف ما یا دورتر مثل مصر، به اندازه یک شهرک، فقط سفارتخانه آمریکا دارند. این‌ها وضعیتشان این است، آرزوی مردم آن‌ها خانه‌های متوسط تهران است، ولی اجازه ندارند. ما سختی می‌کشیم تا از بردگی نجات پیدا کنیم. این موضوع قدرتمند شدن بسیار مهم است. دین یک نرم‌افزار است برای اینکه انسان قوی شود.

« رسانه رایگان غربی‌ها برای ما!! »

آن‌ها هم کم نمی‌گذارند، ماشاءالله تلاش می‌کنند. در شهر خودشان یک سریال می‌سازند، در تلویزیون پخش می‌کنند، پول می‌گیرند. شبکه‌ها اکثراً پولی هستند و می‌گویند اگر می‌خواهی این شبکه را ببینی، باید پول بدهی. اما در کشور ما چه کار می‌کنند؟ بالای سر کشور ما دویست تا از این کانال‌ها می‌گذارند و پخش می‌کنند. می‌گویند: مفتکی ببین، مفتکی ببین. همین نتانیاہوی خبیث. من خواهش می‌کنم از مسئولین محترم این اعتکاف، این سخنرانی‌اش را پخش کنند. مال شاید پانزده سال پیش باشد، آن موقع جوان‌تر بود، همان آدم‌کش. صراحتاً می‌گوید: ایران را با جنگ نمی‌شود گرفت، به ایران فیلم نشان بدهید. یعنی همان کسی که



می خواهد تو را بکشد، می گوید با فیلم بکشیدش. خب تو اینجا باید چه کار کنی؟ باید بگویی من نگاه نمی کنم. چون تو می خواهی من را به بردگی بکشی. برده زندگی کردن خیلی سخت است. خدا در قرآن می فرماید اگر برده زندگی کنی، دو تا دشمن پیدا می کنی: یکی همان دشمنت که اربابت شده، یکی هم خود من. «فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ»؛ از آن ها نترسید، از من بترسید.

می فرماید: از من بترس، اگر بردگی را بپذیری، پدرت را درمی آورم. در قرآن می فرماید مستضعفینی که ظلم را پذیرفتند و به جهنم رفتند، وقتی مستکبرها وارد جهنم می شوند، این ها فریاد می زنند: خدایا، این ها ما را منحرف کردند، لا اقل عذابشان را دو برابر کن. خداوند می فرماید: غصه نخورید، جفت تان را دو برابر عذاب می کنم.

« دین نرم افزار قوی شدن

دین نرم افزار قوی شدن است. بچه ها، تا حالا کسی این را عمیق، دقیق و مفصل برای شما توضیح داده بود؟ اینکه دین ابزار قوی شدن است؟ الان در مساجد ما مردم چه فکری می کنند؟ پدر و مادرهای خوب شما. در حالی که دین ابزار قوی شدن است.



هر کسی بی دین باشد، ضعیف می شود. کارش از روی ضعف است. کسی که از روی ضعف کار می کند، این جوری فکر می کند: می گوید کار کنم، می ترسم فقیر بشوم. خب این آدم دیگر در کارش خلاقیت ندارد. چون از ترس حرکت می کند، نه از قدرت.

ولی آدم قوی چگونه کار می کند؟ آدم قوی کار می کند چون کار شیرین است، چون خلاقیت زیباست، چون جوهر آدمی را نشان می دهد. خیلی از شما سر کلاس که می روید، خوشتان نمی آید. اما وقتی تعطیل می کنند و شما کارها و بازی هایی را که خودتان انتخاب کرده اید انجام می دهید، لذت بخش تر است. چرا؟ چون این مظهر قدرت خود شماست که خودتان انتخابش کرده اید.

وقتی به شما زور می گویند، احساس می کنید ضعیف شده اید، له می شوید، خسته می شوید. انسان باید به اوج قدرت برسد. اگر کمتر این حرف ها به شما زده شده، دلیلش کم بودن تعداد طلبه های خوب در حوزه علمیه است. مهم ترین شغل، به نظر من، طلبه شدن است. چرا؟ چون یک عالم دینی می تواند یک ملت را قدرتمند کند، نه فقط یک فرد را.

شما مثل پزشک نیستید که یک بیمار را مداوا

کنید. البته یک عالم دینی می تواند این کار را هم بکند، اما تأثیرش گسترده تر است. یک عالم دینی می تواند منطقه را تکان بدهد، مثل سید حسن نصرالله در جهان عرب، یا مثل امام خمینی.

« امام خمینی رحمة الله علیه: هیچ وقت نترسیدم

امام خمینی می گفت: «من در عمرم نفهمیدم ترسیدن یعنی چی.» او هیچ وقت ترس را تجربه نکرد. این یعنی انسان دیندار واقعی.

شیطان چه می کند؟ همیشه انسان را می ترساند. شیطان حتی حضرت آدم را هم ترساند. فرمود: «هَلْ أَذُكَّ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ» (سوره طه، آیه ۱۲۰) آیا تو را به درخت جاودانگی راهنمایی کنم؟ او می خواست حضرت آدم را بترساند که مبادا بهشت را از دست بدهد. ترسید و رفت سراغ درخت جاودانگی، و این شد که خدا او را از بهشت اخراج کرد. حتی در بهشت، جایی که هیچ مشکلی نبود، شیطان توانست با ترس تلویحی اثر بگذارد.

« ایمان یعنی چه؟

ایمان به خدا به چه دردی می خورد؟ ایمان یک کوه پشت سر شماست، کوهی که خالق همه کوه هاست. قوت قلب و آرامش در ایمان است. بچه ها، محاسبه کنید در همین اعتکاف،



بینید از دوران کودکی چه ترس‌هایی با خودتان آورده‌اید. شما گناهکار نیستید و معصومید، اما ظرفیتی که ممکن است بعداً شما را وادار به گناه کند، ضعف‌ها و ترس‌هاست.

« من از چه چیزهایی می‌ترسم؟ »

سؤال دیگر: از چه چیزهایی می‌ترسم؟ «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ» خودتان را محاسبه کنید. هر کدام از ما، بسته به شخصیت‌مان، از چیزهایی می‌ترسیم. این ترس‌ها به ضعف ما مربوط می‌شوند؛ در برخی جاها احساس ضعف می‌کنیم و آن‌ها ممکن است ما را به اشتباه بیندازند. هر کدام از شما اگر با خودتان بگویید: «نه، من که امام خمینی نمی‌شوم»، این یعنی دارید احساس ضعف می‌کنید. این ضعف را کسی به شما تلقین کرده، یک جایی خوردید، یک جایی زدندتان.

بعضی وقت‌ها شیطان نیست، خودمان هم نیستیم. صادقانه حرف بزنیم. گاهی پدر و مادر آدم را زیاد تحویل نمی‌گیرند. آدم چه کار می‌کند؟ کم‌کم با خودش می‌گوید: «پس من واقعاً ضعیفم». این فکر را باور می‌کند و کم‌کم اعتماد به نفسش از بین می‌رود.

این جاست که باید حواستان جمع باشد. خیلی



وقت‌ها ضعف واقعی نیست، ضعف تلقینی است. یک حرف، یک رفتار، یک بی‌توجهی می‌شود نقطه شروع اینکه انسان خودش را کوچک ببیند. و وقتی انسان خودش را کوچک دید، دیگر جرئت قوی شدن ندارد.

« دعای ندبه و ارزش انسان نزد خدا »

یک دعا کنیم الان با هم. دعایی که خیلی سطح بالاست. فرض کنید پدر گرامی امام زمان . ارواحنا له الفداء . می‌خواهد برای فرزندش دعا کند. خود امام حسن عسکری هم بالاخره امام است و او هم فرزندش است.

دقت کنید حرف من را درست منتقل کنید. یک گوشه‌اش را زیاد یا کم نقل نکنید که معنایش خراب شود. این دعایی است که معمولاً پدر و مادرها، بزرگ‌ترها انجام می‌دهند. ما بچه‌ها مثل خودمان، کوچک هستیم، نمی‌توانیم این دعاها را آن‌طور که بزرگ‌ترها می‌کنند، انجام دهیم. ممکن است فکر کنیم: «به من چه؟ من کی هستم که این‌ها را بگویم؟» یک دعایی هست که به خدا می‌گویی: «خدایا مواظب امام زمان باش، دستش را بگیر، کمکش کن.» ما از موضع پایین و عاجزانه دعا می‌کنیم، نه از موضعی که خودمان را بالا ببینیم و بخواهیم تعیین تکلیف کنیم.

خیلی ها به من می گویند: «اگر رهبری را دیدی، سلام ما را برسان.» ایرانی و خارجی، از عراق یا جاهای دیگر. درست است، اما هیچ کس نمی گوید: «بین مواظب امام زمان باش، مواظب رهبرت باش.» و من که یک شهروند عادی هستم، قرار است این دعا را کنم. هیچ کس این حرف ها را به زبان نمی آورد، جز خود ما که می خواهیم از خدا پشتیبانی کنیم.

دعای «اللهم کن لولیک» را می دانید چه دعای با عظمتی است؟ شما در واقع سفارش می کنید امام زمان را به خدا: «خدایا مراقبشان باش، دستشان را بگیر، چشمشان باش، کمکشان کن، پشتیبانشان باش.»

و این جاست که می فهمیم خداوند چقدر به انسان بها می دهد. شما چه کاره ای؟ فقط یک دعا کننده ساده. با این حال خدا دعای شما را می پذیرد و به شما اجازه می دهد در پشتیبانی از امام زمان شریک باشید. چقدر خدا به شما ارزش داده است!

« روضه مختصر حضرت زینب سلام الله علیها »

امشب شب شهادت حضرت زینب سلام الله علیهاست. در این دو سه دقیقه باقی مانده، یک روضه مختصر بخوانیم.



زینب کبری انسان قدرتمندی بود، خیلی قدرتمند. من بعید می‌دانم در تاریخ زنی مثل زینب کبری توانسته باشد این‌گونه قدرت خودش را به نمایش بگذارد. شکی ندارم حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، مادر حضرت زینب، در اوج بودند، اما این‌که حضرت زینب در آن صحنه‌های فوق‌العاده سخت، قدرت خودش را این‌طور نشان داد، واقعاً عجیب است.

روز یازدهم محرم، اسرا را یک‌جا کردند در خیمه‌ای سوخته و نیم‌سوخته. زینب بچه‌ها را جمع کرد تا ببیند دشمنان درباره اهل بیت حسین علیهم‌السلام چه تصمیمی می‌گیرند. خدا لعنت‌شان کند این دشمن‌ها را. اگر همان‌جا تصمیم می‌گرفتند بچه‌ها را قتل عام کنند، همه را کشته بودند. دستور رسید که این‌ها را اسیر کنید؛ نه آزاد، نه به قتل برسانید، بلکه اسیر بیاورید. عمر سعد ملعون برگشت و به سربازهایش گفت بچه‌ها را سوار کنید. خب در میان این‌ها دختر بچه هست، این‌ها نامحرم‌اند.

نقل می‌کنند عمه زینب یک فریاد زد: کنار بروید، این‌ها حرم رسول خدا هستند. از شدت ابهت آن فرمان حضرت زینب، تا پایان دوران اسارت، احدی از سربازها جرئت نکرد به دخترها



نزدیک شود.

سی روز عزادار باشی... من خودم پدرم بیمار بودند، آماده فوت شان بودیم. با خودم می گفتم اگر پدرم از دنیا رفت، با اینکه داغدار می شوم، اما همه کارها را خودم انجام می دهم؛ مجلس ختم، نظم دادن، همه چیز. اما باور کنید وقتی پدرم از دنیا رفت، زانوهایم نمی کشید دم در مجلس ختم بایستم. گفتم من به هیچ چیز کار ندارم، هر که می خواهد مدیریت کند.

زینب این زانوها این قدرت را از کجا آورد که شب شام غریبان نماز شبش ترک نشد؟ باید استراحت می کرد، باید می نشست. این قدرت روحی عظیم از کجا آمده بود؟

ما برای مصائب قهرمان هایمان متأثریم، اما قهرمان های ما خورده و از پیش باخته نیستند. اگر بین شهدای کربلا بیشترین فریاد را برای حضرت ابوالفضل می زنیم، به خاطر این است که او را قدرتمندتر از بقیه شهدای کربلا می دانیم. اتفاقاً همین قدرتش ما را بیشتر آتش می زند، با او صفا می کنیم؛ علمدار است.

خدایا ما را قدرتمند بگردان.

خدایا ضعف های پنهان ما را از بین ببر. آمین. می دانید داریم چه دعاهایی می کنیم. شما در این اعتکاف فرصت دارید ضعف ها و ترس های

پنهان خودتان را پیدا کنید و از بین ببرید.
خدایا ترس های پنهان ما را از بین ببر. آمین.
خدایا کاری کن جز از تو نترسیم. آمین.

ترس از خدا آدم را ضعیف نمی کند، بچه ها.
چرا؟ چون خدا فوری نمی زند. این ترس، ترس
تعقلی است. الان شما نماز نخوانید، خدا فوری
می زند؟ نه. ترسوها از خدا نمی ترسند، چون
عادت کرده اند فقط از خطرهای فوری بترسند.
خدایا به ما توفیق بده که جامعه مان و جهان
بشریت را قدرتمند کنیم. آمین.

ضعف هایشان را از بین ببریم. آمین.
واقعاً دعا می کنید، صلوات اجباری نیست،
واجب نیست. شما می توانید این دعاها را نکنید،
فکر کنید روش، یک ثانیه فکر کنید، بعد الهی
آمین بگویید.

خدایا به ما قدرت از بین بردن استکبار جهانی
عنایت بفرما. آمین.
خدایا به دست ما مستضعفان عالم را نجات
بده. آمین.

خدا هر کسی در کشور ما ضعف را به مردم
تلقین می کند، نابودش کند.
و هر کسی در کشور ما مایه قدرت و عزت این
مردم است، بر توفیقاتش بیفزاید.